



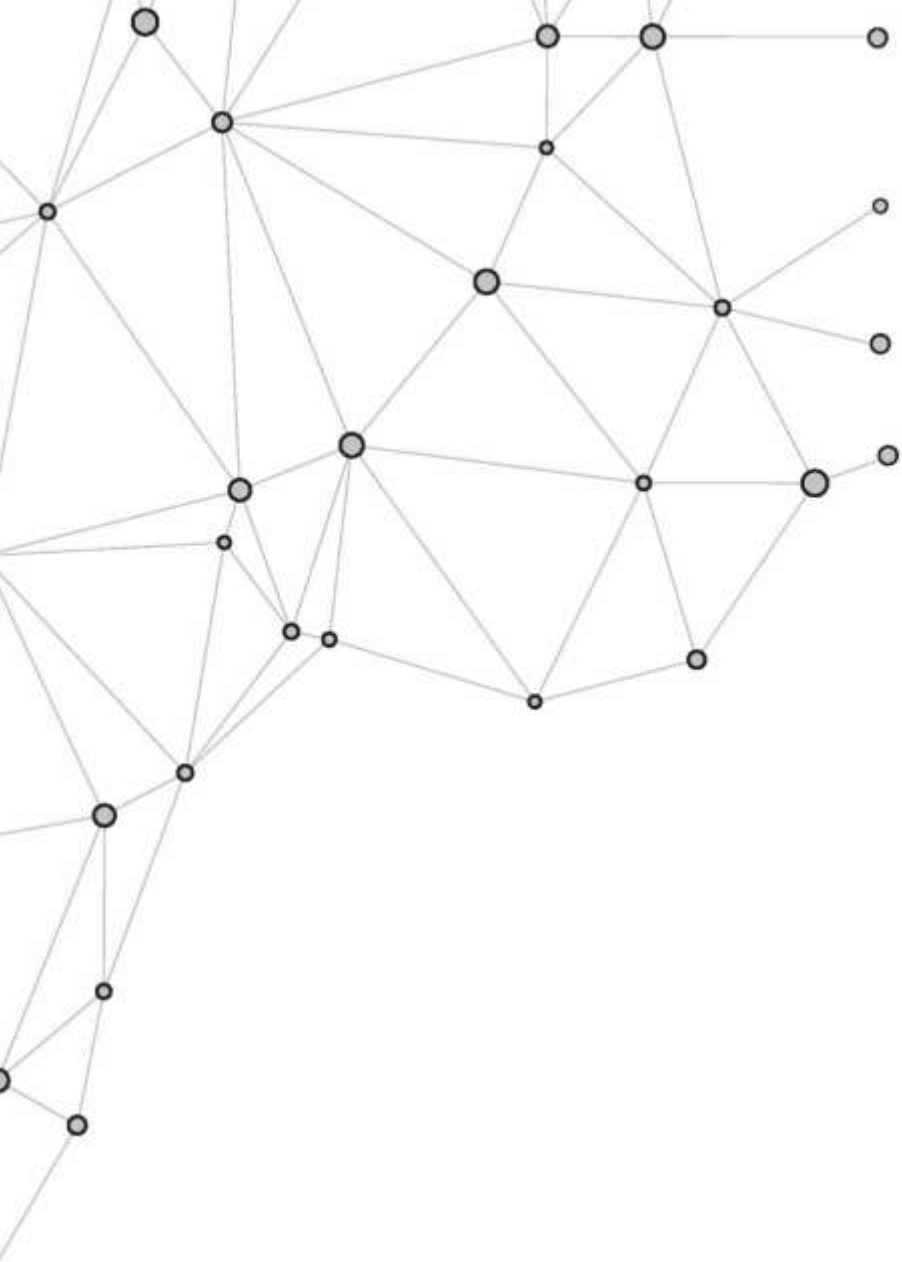
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش سیاستی تحلیل روند تقویت زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای

تدوین: اندیشکده توسعه صادرات ایران

زمستان ۱۴۰۲

کارفرما: پژوهشکده مطالعات فناوری



خلاصه مدیریتی

جهانی شدن تولید در قالب زنجیره‌های تولید بهم پیوسته روند اثرگذاری است که در کشور به اندازه کافی به آن توجه نشده است. در عین حال، رواج منطقه‌گرایی در بیش از دو دهه اخیر در دنیا فرصت‌های جدیدی برای تقویت زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای ایجاد کرده است که می‌تواند برای کشورهای هم‌چون ایران که تا حد زیادی از مزایای جهانی شدن تولید محروم بوده‌اند، ولی قدرت و حوزه نفوذ منطقه‌ای قابل قبولی دارند، فرصت مهمی باشد. در این گزارش با اتخاذ یک رویکرد بنیادی به موضوع زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای، تلاش می‌شود شناخت ریشه‌ای از روندها و علل توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای ارائه شود و سپس با مطالعه دو کشور منتخب (برزیل و آفریقای جنوبی) و دو نهاد منطقه‌ای منتخب (آ.سه.آن و اوراسیا) رهیافت‌های کلیدی از ابعاد این مسئله به نهادهای پژوهشی و سیاستگذاری کشور ارائه شود.

بدین منظور ساختار گزارش حاضر بدین شرح است: ابتدا به بیان مسئله تحقیق پرداخته شده است تا نشان داده شود چگونه شاهد توقف رشد زنجیره‌های ارزش جهانی بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ هستیم. در واقع از دهه ۱۹۹۰ تا آستانه بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، زنجیره‌های ارزش جهانی توسعه بی‌سابقه‌ای را تجربه کردند، اما پس از آن دچار افت شدند. تحولات ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، حمله روسیه به اوکراین، افزایش جهانی قیمت‌های منابع طبیعی و تورم جهانی و همچنین نگرانی‌های اساسی در مورد موج جهانی‌سازی، زنجیره‌های ارزش جهانی را به سمت و سوی منطقه‌گرایی سوق داده است. به طوری که اکثر دولت‌های توسعه یافته خواستار بازگشت تولید به خانه و محدود کردن تجارت به شرکای مطلوب سیاسی خود هستند. افزایش قابل ملاحظه موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای از ۲۲ عدد در سال ۱۹۹۰ به ۳۰۵ عدد تا سال ۲۰۲۰ شاهد این مدعا است. همچنین در مجامع دانشگاهی نیز روند تحقیقات این حوزه کاملاً صعودی شده است.

سوالات تحقیق حاضر بدین شرح است: چه عوامل و تحولاتی سبب تقویت روند منطقه‌گرایی در زنجیره‌های ارزش شده است؟ در این راستا، مرور تجربه کشورهای منتخب و پیمان‌های منطقه‌ای در توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای حاوی چه نقاط برجسته‌ای است و در انتها دلالت‌های این روند برای اقتصاد بین‌الملل ایران چه خواهد بود؟ واضح است که پاسخ به این سوالات می‌تواند نگاه محققین و سیاست‌گذاران را به سمت استفاده از این فرصت برای توسعه تجارت کشور بیشتر جلب کند، خصوصاً در شرایطی که فشارهای تحریمی سبب غالب شدن سیاست‌های جایگزینی واردات و کم شدن پیوندهای تجاری کشور شده و یک عامل تهدید برای اقتصاد کشور است؛ اما سیاست‌های دولت سیزدهم در توسعه مراودات با منطقه می‌تواند فرصت‌های خوبی را در این جهت در پی داشته باشد؛ مشروط به اینکه توافقات سیاسی و تجاری، با سیاست صنعتی صحیح توأم و منجر به ایجاد جریان‌های تولیدی مستمر در قالب زنجیره‌های تولید بین کشوری شود. تبیین این ضرورت نیز جزو اهداف ضمنی گزارش حاضر به شمار می‌رود.

برای داشتن نگاهی عمیق‌تر به موضوع جهانی شدن تولید، در گزارش مروری بر مفاهیم منتخب زنجیره ارزش جهانی شده است تا ضمن نشان دادن اینکه جهانی شدن تولید کمک موثری به افزایش کارایی، توسعه مقیاس تولید و قدرت گرفتن نوآوری و بازاریابی جهانی کرده است، اشاره‌ای به چالش کشورهای در حال توسعه برای ارتقا از بخش‌های با ارزش افزوده کم تولید به بخش‌های با ارزش افزوده بیشتر صورت گیرد. این امر را می‌توان یکی از محرک‌های تقویت زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای دانست. سپس معرفی از موج جدید منطقه‌گرایی به عنوان رویکرد نوین برخی کشورهای در حال توسعه برای تقویت چندجانبه‌گرایی و قدرت گرفتن آنها در اقتصاد بین‌الملل و مقابله با انحصار غرب صورت گرفته است. در این بستر، مفهوم زنجیره ارزش منطقه‌ای (RVC) را می‌توان چنین تعریف نمود: وضعیتی که در آن دو یا چند کشور عضو یک منطقه خاص به طور مشترک در تولید برای یک کشور دیگر یا برای خودشان درگیر هستند.

در واقع می‌توان گفت یکپارچگی تولید در سطوح منطقه‌ای ضمن اینکه کشورهای عضو را به طور نسبی از مزایای تخصصی شدن تولید، افزایش کارایی به واسطه جریان نهاده‌های تولید و دانش و نوآوری بهره‌مند می‌کند، در عین حال توجه بیشتری به مزایای تجارت منطقه‌ای یعنی وجود فاصله جغرافیایی و فرهنگی کم میان کشورهای همجوار و از همه مهم‌تر قدرت گرفتن مناطق در اقتصاد جهانی دارد. خصوصاً در شرایطی که در فقدان این همکاری منطقه‌ای، ممکن است کشورهای در حال توسعه به تنهایی یا قادر به ورود به تولید جهانی نباشند و یا در سطوح پایین آن اسیر شوند. عوامل متعددی در تقویت روند منطقه‌گرایی در تولید موثر بوده است که در گزارش به مهم‌ترین آنها شامل شوک‌های جهانی مانند کرونا و تنش‌های ژئوپلیتیک، رقابت‌های فناورانه به‌ویژه در فناوری‌های نوظهور و گسترش ائتلاف‌های منطقه‌ای خصوصاً در شرق آسیا اشاره شده است. در انتهای این بخش و برای شناخت دقیق‌تر ابعاد مفهومی زنجیره ارزش منطقه‌ای، دسته‌بندی از ۱۰ مقاله برجسته بین‌المللی جدید در این حوزه ارائه شده است.

بخش مهمی از گزارش حاضر به مطالعه تجربیات کشورها و پیمان‌های منتخب اختصاص یافته است. در این بخش ابتدا مروری بر تجربه دو کشور برزیل و آفریقای جنوبی که هر یک در منطقه خود نقش محوری در تقویت زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای داشته‌اند شده است. برزیل در راستای اتخاذ یک رویکرد فعال در عرصه صادرات، تلاش کرد با احیا، اصلاح و تقویت اتحادیه منطقه‌ای مرکوسور به عنوان یکی از مهم‌ترین تشکل‌های اقتصادی منطقه‌ای، به تقویت همگرایی در منطقه آمریکای لاتین بپردازد. برزیل در دهه ۲۰۰۰ سرمایه‌گذاری خارجی بیشتری را به عنوان دالان ورود به بازار آمریکای جنوبی جذب کرد. بطور کلی در زنجیره‌های جهانی ارزش برزیل هنوز جایگاه ارزش آفرین قابل توجهی ندارد و بیشتر تامین‌کننده ورودی‌های میانی برای برخی کشورهای صنعتی است، ولی در سطح منطقه‌ای، به عنوان مرکز اصلی فراوری و تولید منابع جذب شده از کشورهای پیرامون خود عمل می‌کند.

در خصوص آفریقای جنوبی برخی معتقدند این کشور با برخورداری از کارایی و مقیاس تولید لازم، موقعیت مناسبی برای ایجاد زنجیره‌های ارزش بین کشوری در منطقه جنوب آفریقا دارد تا مدل موفقیت‌آمیز «کارخانه آسیا» در آسیای جنوب شرقی را تکرار کند. احتمالاً صنایع دارای مزیت همچون صنعت غلات و به ویژه پوشاک نقطه آغاز این زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای در جنوب آفریقا باشند. البته اقتصاد ضعیف کشورهای این منطقه و مشابهت نسبتاً بالا کالاهای صادراتی این منطقه (تجارت موازی به جای تجارت مکمل) موانع مهمی در این جهت است.

تجربه این دو کشور نشان می‌دهد هر دو کشور از پیمانهای منطقه‌ای حداکثر استفاده را داشته‌اند تا در گامهای اولیه با کاهش تعرفه و به تدریج رفع سایر موانع تولید و سرمایه‌گذاری، تجارت درون منطقه‌ای را توسعه دهند و همزمان با ایجاد ظرفیتهای داخلی خصوصاً در شرکتهای داخلی بزرگ که توان اتصال به شرکتهای جهانی را دارند، زنجیره‌های منطقه‌ای فعال شکل دهند.

سپس در ادامه به مرور ابعاد دو پیمان منطقه‌ای مهم در آسیا یعنی آ.سه.آن به عنوان یک پیمان باسابقه و موفق در ایجاد زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و پیمان اورسیا به عنوان یک پیمان کم سابقه ولی دارای ظرفیتهای مهم برای کشور ما پرداخته شده است. با توجه به اینکه سیاست صنعتی و ایجاد زنجیره‌های تولید در صنایع هدف بُعد مهمی از تولید یکپارچه و زنجیره ارزش است، در بررسی هر پیمان یک صنعت منتخب (خودرو در آ.سه.آن و دارو در اوراسیا) مورد توجه قرار گرفته است. بررسی این دو پیمان نشان می‌دهد آ.سه.آن اولویتهای خود را از تمرکز صرف روی کاهش یا رفع موانع تجاری و ایجاد محیطی مساعد برای سرمایه‌گذاران خارجی به سمت تعمیق مشارکت منطقه‌ای خود در زنجیره‌های ارزش تغییر داده است و موفق شده است به یکی از مهمترین قطب‌های منطقه برای GVCها تبدیل شود. هرچند تفاوت‌های قابل توجهی میان کشورهای عضو وجود دارد و سنگاپور و سپس مالزی بیشترین ادغام را در GVCهای آ.سه.آن دارند؛ ولی کامبوج، جمهوری دموکراتیک خلق لائوس و میانمار کمترین مشارکت را نشان می‌دهند. صنعت خودرو به عنوان یکی از موفق‌ترین تجارب ادغام منطقه‌ای و جهانی این اتحادیه در این بخش مورد بررسی قرار گرفته و اقدامات اصلی اتحادیه شامل حمایت نهادی مداوم، هماهنگی سیاستی کشورهای عضو با ایفای نقش شرکتهای بزرگ چندملیتی مانند تویوتا و نقش نهادهای داخلی کشورهای عضو در ایجاد مراکز تحقیقاتی روی خودرو معرفی شده است.

اتحادیه اوراسیا پیمان نوظهوری است که سهم عمده را در اقتصاد آن روسیه بازی میکند و این کشور در تلاش است با همکاری در این اتحادیه نقش خود را در تقسیم کار بین‌المللی تقویت کند. مرور کلی همکاریهای تجاری و اقتصادی کشورهای عضو خصوصاً در حوزه‌هایی همچون صنایع غذایی، خودروسازی، انرژی و معدن نشان می‌دهد ادغام بیش از پیش کشورهای عضو می‌تواند فرصتهای بیشتری برای ایجاد زنجیره‌های ارزش رقابتی

ایجاد کند؛ ولی موانع زیادی وجود دارد که مهم‌ترین آنها وخامت اوضاع اقتصادی و سیاست اقتصادی نامشخص کشور اصلی اتحادیه یعنی روسیه است.

در انتهای گزارش با مرور فشرده تجارب سیاستگذاری داخلی با هدف تقویت حضور کشور در تولید منطقه‌ای و جهانی، مجموعه دلالت‌هایی که می‌توان از روند توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای استخراج و برای سیاستگذاری تجاری و اقتصادی کشور بیان نمود به طور خلاصه ارائه شده است.